

## انتظار



### یعقوب باب ۵ آیات ۷ و ۸

پس ای برادران، تا آمدن خداوند صبر پیشه کنید. بنگرید چگونه دهقان انتظار می‌کشد تا زمین محصول پرارزش خود را به بار آورد؛ چگونه صبر می‌کند تا بارانهای پاییزی و بهاری بر زمین بیارد. پس شما نیز صبور باشید و دل قوی دارید، زیرا آمدن خداوند ما نزدیک است!

ما انسانها همواره باید صبر داشته باشیم و در این سواثاق‌های صبره متعدد و به خصوصی وجود دارند که میتوانند به ما کمک کنند و اغلب

این افاق‌ها به طوری هستند که با صبر کردن در آنها ما انسانها صبر و شکیبایی و شجاعت خود را از دست نمیدهیم و حتی با همدیگر درگیر نیز نمیشویم. اما یک صبر کردن هست که خیلی فوریت بیشتری از صبر کردن در یک مطب دکتر یا در اداره است. درانجام من این تصویر را در جلوی خود دارم که بعد از شکسته شدن کشتی تعداد انگشت شماری از مردم در دریا هستند و بعضی‌ها از یکی دو تخته چوب به هم وصل شده برای رفع چاره موقت خود استفاده میکنند و بقیه از قطعات بزرگتر میتوانند بهره ببرند و همه‌ای آنها در آن واحد یک هدف دارند و آن این است که کشتی نجات کی و کجا می‌آید؟ بعضی از آنها که در دریا به این سو و آن سو کشیده میشوند دیگر شجاعت به خرج نداده و تسلیم میشوند و دیگر منتظر نمی‌مانند و در اعماق دریا غرق شده و دیگر هیچ بازگشتی ندارند. آنهایی که در دریا گرفتار شده‌اند میدانند که انتظارشان در این آب سرد خیلی به درازا نمیکشد و ناجی باید بیاید وگرنه از بین میروند.

برادران عزیز اگر نامه‌ای یعقوب امروز ما را به صبر و شکیبایی تشویق میکند میدانند که این زندگی تا ابد به این شکل جلو نمیرود و همه‌ای ما از کشتی شکسته رنج می‌بریم و همه منتظر کشتی نجات هستیم پس گاهی اوقات تنها تجربه تلخ زندگی است که به ما نشان میدهد که ما در حال از دست رفتن هستیم و به نجات نیاز داریم

برای کسی خبر می‌آید که عزیزی چشم از جهان فرو بست و در این هنگام است که امید و دیدگاه به آیند از بین میرود و این چیزهای مخربی است که در زندگی روی میدهد و ما را گرفتار میکند پس ما باید بدانیم که زندگی نمیتواند همیشه به این شکل جلو برود. برای بقیه این یک واقعیت است که آدم میتواند کار خود و یا کشور و خانواده‌ای خود را از دست بدهد و در یک آن او در یک کشور غریب است و نمیداند که چگونه پیش برود و اگر در همین هنگام در این کشور غریب نامه‌ای دریافت کند که قید شده است که اون نمیتواند در آن کشور بماند و تنها خشت امید نیز از بین رفته است اینجاست که او به کشتی نجات احتیاج دارد. در ادامه ممکن است که گاهی اوقات ناامیدی در محل کار وجود داشته باشد گاهی اوقات ناامیدی در عشق و یا در میان مردم و یا حتی ناامیدی در خود انسان و به هر نحوی ما باید تجربه تلخ را داشته باشیم و چیزی که الان هست نمیتواند همیشه باشد و اینگونه ما به یک کشتی نجات نیازمندیم. سوال اینجاست که چگونه این میتواند پیش بیاید که انسانها به یک کشتی نجات امید نداشته باشند بلکه به چیزی کاملاً دیگری دل ببندند. چگونه آن افراد که بخاطر کشتی شکسته در آب گرفتار شده‌اند تمام امید خود را به آن چند تکه چوب روی آب

بنندند به جای آنکه به کشتی نجات فکر کنند بلکه حتی زمانی که کشتی نجات آنها را از اعماق دریا نجات خواهد داد آنها ترجیح میدهند با تخته ای خود در آب سرد بمانند تا در گرمی کشتی! باورکردنی اما واقعی! اینجا چیزی به نام شیطان وجود دارد کسی که خوب برای پدر ما نشناخته شده است و همیشه و همواره در حال فریب دادن ما هست و این چنین است که ما انسانها تمام امید خود را به چیزهای واهی میدهم و در شرایط سخت و اضطراری صدای امید کاذب بلندتر به گوش میرسد و این صداها شما را به دادن پول بیشتر و یا یک کار مقطعی که مثل مسکن عمل میکند دعوت میکنند و این تنها به پنهان کردن درد خدمت میکند ولی مشکل از بین نرفته است و دوباره بدتر از این خواهد آمد و این مثل یک کلاهبرداری است که ما باید به طور جدی ازش دوری کنیم اگر ما به یک چیز تمام امید خود را میندیم پس باید بتوانیم به اون حداقل اطمینان را داشته باشیم. همانند این حکایت کوتاه که در یک زوج پیر در یک خیابان شلوغ در حال حرکت دچار مشکل شده اند و پیر مرد کور با هر دو دست به شانه های همسرش چسبیده است و آنگاه با آمد و شد جمعیت بیشتر پیر زن از شوهرش میخاهد که یک تیر برق را با دستان خود بگیرد و به آن تکیه کند و سپس پیر مرد در آنجا ایستاد و دو دستی به آن تیر چراغ برق چسبید مثل چیزی که زندگی اش به او وابسته است و آن مردمی که این صحنه را دیدند شگفت زده شدند و حتی بعضی از آنها به او با تمسخر خندیدند. چیزی که هیچ کدام از آنها نمیدانستند همان چیزی بود که آن پیر مرد به طور قاطع به آن اطمینان و ایمان داشت که همسر خود بر خواهد گشت و همسرش به او دقیقاً گفته بود که به این تیر چراغ تکیه زند و این مرد از تجربه آموخته بود که همسرش قابل اطمینان است و او خواهد آمد و او را با خود خواهد برد و چنین چیزی برای ما مسیحیان نیز صدق می کند که خداوند ما عیسی مسیح به ما قول داده است که بر خواهد گشت و این یک امید واحی یا کلاهبرداری نیست و عیسی مسیح به ما یک بار دیگر ثابت خواهد کرد که چقدر قابل اطمینان هست و یعقوب نیز ما را به اطمینان عیسی مسیح سوق میدهد. مسیح برای آن کسانی آمده است که احتیاج به نجات دارند، در این کار او تخصص دارد و هیچی وقت به ما تسلی بیخود نمیدهد بلکه او به خاطر غم و اندوه ما آمده که آنها را از ما به در کند و اینگونه است که ما عیسی مسیح را از طریق فرقه ای ایفانگلیج شناختیم چراکه او مستقیم به جایی تنظیم کرده که مردم بیشترین درد و رنج را میکشند. زندگی او مستقیم به مرگ بر روی صلیب کشیده شد و در تمام جهات در غرق شدن کشتی ما سهیم است و حتی در اعماق دریا هست تا از گناهان ما کم کند و او در انجاست و خداوند او را از آنجا برای ما مطرح کرد و از آنجا او به ما نشان داد که مرگ و قبر ما یک مرز دارد همچنین رنج و عذاب که ما در امروز داریم و در روی آن یک تاریخ انقضا وجود دارد که عیسی مسیح با صلیب خود آن را امضا زده است که ما زنده خواهیم ماند.

یعقوب ما را تشویق میکند که این همان خداوند عیسی ایست که در راه است و این را عیسی مسیح به تنهایی و بدون دخالت ما انجام میدهد و ما فقط باید منتظر او بمانیم و بر آن تأکید داشته باشیم که تسریع در آمدن عیسی مسیح به ارمغان خواهد داشت.

وقتی که یک تروریست خود را به همراه بقیه منفجر میکند به این تصور است که برای خود و دیگران یک روز قیامت رقم زده و به رفتن به آن روز مجبور کرده است در این مورد یعقوب در اینجا به ما نشان میدهد که ما هیچ وقت نمیتوانیم در روز خداوند دخل و تصرف داشته باشیم. هنگامی که کشاورز بزی را میکارد، کار دیگری جز انتظار نمپاند. کشاورز به خوبی میداند که باران و انرژی نهفته در بزر باعث رشد بزر خواهد شد. اگر او طاقت انتظار را نداشته باشد مجبور است که هرروز زمین را نخم زده و ببیند که بزرها تا چه اندازه رشد کرده اند. اگر او این کار را انجام دهد باعث از بین رفتن بزرهای ارزشمند خواهد شد. بنابراین او محکوم به انتظار کشیدن است. ما مسیحیان همانند مهمانی که در سالن انتظار پزشک با تلفن های هوشمند و روزنامه های ارزان نیستیم. در حال حاضر انتظار ما توسط خداوند تأیید شده است. یعقوب میفرماید قلب هاتان را تقویت کنید. تنها در صورتی قلب هاتان تقویت خواهند

شد که آنها را با مسایل مسیحی پر کنیم. هنگامی که ما خود را با تمامی مشکلات دنیوی سرگرم کنیم به طور کل هدفمان که انتظار کشیدن برای عیسی مسیح است را فراموش خواهیم کرد. عیسی مسیح نیز به ما فرموده اند که قلب هایمان را تقویت کنیم. و در واقع ما میتوانیم با کمک روح القدس و عیسی مسیح قلب هایمان را تقویت سازیم. و هر زمان که ما کلام عیسی مسیح را میشنویم و خون و بدن وی را دریافت مینماییم او از پادشاهی خود بر قلب مان وارد شده و قلبمان را برای آمدنش تقویت خواهد کرد. شاید هنگامی که ما اینگونه اعمال را انجام میدهم افرادی پیش خود ما را احمق فرض کنند. اما خندیدن و احمق فرض کردن آنان نباید ما را از انجام اعمالمان باز بدارد. آنان نمیتوانند باعث آزار ما گردند زیرا عیسی مسیح پشت به پشت ما ایستاده است و ما را با مژده آمدنش استوار تر میسازد. و او به زودی می آید. آمین.